DOI: Https://doi.org/10.22067/JLS.2022.72979.1177

نشریهٔ علمی جستارهای نوین ادبی، شمارهٔ ۲۱۵، زمستان ۱۴۰۰، صص ۹۱-۱۱۶
مقالهٔ پژوهشی

اخوان‌پژوهی در گذر زمان

(بررسی کارنامهٔ اخوان‌پژوهی در طی ۶ دهه (۱۳۳۰-۱۳۹۵ ش)[1]

تاریخ دریافت: ۱۷ مهر ۱۴۰۰ / تاریخ پذیرش: ۱۰ بهمن ۱۴۰۰

کلثوم میری‌اصل[1]

مریم مشرّف[2]

چکیده

توجه به پیشینه و داشتن اطلاعات کافی در ارتباط با پژوهش از بایستگی‌های یک اثر تحقیقی جامع و مفید است. بنا به گسترهٔ دامنهٔ پژوهش در حوزهٔ شعر و ادبیات، به‌منظور جلوگیری از تکراری بودن پژوهش‌های آتی در این مقال به معرفی، بررسی و شناسایی آثار (اعم از کتاب و مقاله) در حوزهٔ اخوان‌پژوهی می‌پردازیم. رویکرد ما در این نوشتار توصیفی-تحلیلی-انتقادی است که با ارائهٔ نمودارهای زمانی و موضوعی آثار پژوهشی صورت می‌گیرد. در این نوشته نشان خواهیم داد که کدام جریان‌های نقد حول محور اخوان در طی شش دهه شکل گرفت؟ چه جنبه‌هایی از شعر اخوان بیشترین پژوهش‌ها را به خود اختصاص داد و نقاط ضعف و قوت پژوهش‌ها کدامند؟ بنا بر نتایج پژوهش جریان‌های نقد حول محور اخوان در چند شاخهٔ اصلی تداوم داشته است. در حوزهٔ نظام صوری مهم‌ترین جریان‌های تداوم‌یافته در حوزهٔ زبان، روایت‌پردازی و وجوه بلاغی و نظام موسیقیایی شعر و در عرصهٔ نظام معنایی نیز بحث تعهد و شعر اجتماعی- سیاسی، مفاهیم فلسفی و هویت ملی از مهم‌ترین مضامین مناقشه‌برانگیز در شعر اخوان هستند. رشد گستردهٔ آثار پژوهشی و مجلات و نشریات، دقت‌نظر، نکته‌سنجی، نگاه جزئی‌نگر و تخصصی‌تر شدن مقالات، توجه به رویکردهای جدید در نقد و مطالعات بینارشته‌ای به‌منظور نگاهی دیگرگونه از وجوه مثبت و تکراری و کلیشه‌ای بودن نتایج، رویکرد توصیفی و نظریه‌محور بودن از نقاط ضعف برخی پژوهش‌هاست.

کلیدواژه‌ها: اخوان‌پژوهی، توزیع زمانی و موضوعی، رویکردهای نقد، نقاط قوت و ضعف.

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهیدبهشتی تهران (نویسندهٔ مسئول) E-mail: K.miri1984@gmail.com

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران E-mail: M.mosharaf@yahoo.com

۱. مقدمه

دانش و اطلاعات کافی در ارتباط با موضوع پژوهش به‌منظور جلوگیری از طرح و بیان مطالب تکراری از بایسته‌های یک اثر پژوهشی مفید است. رشد و گسترش دامنهٔ پژوهش در عرصهٔ علوم انسانی و بالأخص ادبیات و شعر دسترسی به پیشینهٔ پژوهش را برای محققان سخت کرده است. ازاین‌رو دسترسی به کارنامهٔ پژوهشی بزرگان ادب و شعر از اهمیت ویژه‌ای در نزد پژوهشگران برخوردار است. در حوزهٔ شعر معاصر، اخوان‌ثالث از شاعران صاحب‌سبک است که با علم کافی به شعر کلاسیک و غور و تعمق در شعر نیما و «زدن پلی بین خراسان و مازندران» (اخوان‌ثالث، ۱۳۴۸: ۳۴-۳۳) به زبان و سبک خاص خود در سرودن دست یافت. برجستگی‌های زبانی، محتوایی، ساختار روایی و سایر ویژگی‌های اشعار وی باعث توجه منتقدان به شیوه و اسلوب وی شده است. آنچه در این مقال به آن می‌پردازیم معرفی، بررسی و شناسایی آثار (اعم از کتاب و مقاله) در حوزهٔ اخوان‌پژوهی است. رویکرد ما در این نوشتار توصیفی-تحلیلی-انتقادی است که با ارائهٔ نمودارهای زمانی و موضوعی[۲] آثار پژوهشی صورت می‌گیرد و ضمن بررسی آثار پژوهشی، به برجسته‌ترین نقدها در هر دوره اشاره خواهیم کرد. در این نوشته نشان خواهیم داد که کدام جریان‌های نقد حول محور اخوان در طی شش دهه شکل گرفت؟ چه جنبه‌هایی از شعر اخوان بیشترین پژوهش‌ها را به خود اختصاص داد؟ نقاط ضعف و قوت پژوهش‌ها چیست و برجسته‌ترین آثار در کارنامهٔ اخوان‌پژوهی کدام است؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

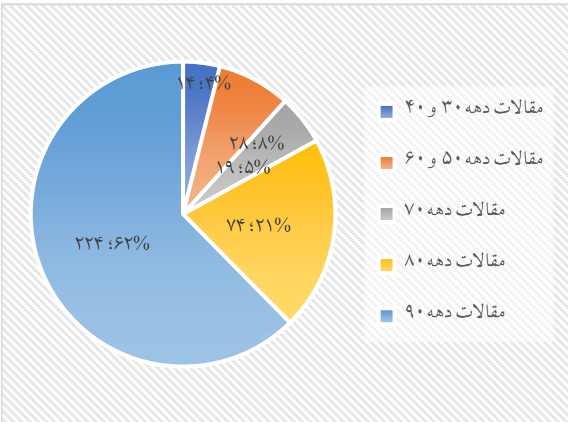
نقد و تحلیل و بررسی آثار پژوهشی در ارتباط با شاعران عرصهٔ ادب فارسی ازجمله فردوسی، مولوی، نظامی، خیام، نیمایوشیج و شاملو در قالب کتاب، مقاله و رساله انجام شده است. در ارتباط با کارنامهٔ اخوان‌پژوهی تنها دو مقاله نوشته شد: رضوانیان و کیانی در مقالهٔ «تحلیل انتقادی مقالات دانشگاهی در زمینهٔ اشعار اخوان‌ثالث» بخشی از نقدهای انتشار یافته از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ را در زمینهٔ اشعار اخوان‌ثالث بررسی و میزان تأثیر این نقدها را در تحلیل کارآمد از اشعار اخوان ارزیابی کردند. دیگر مقالهٔ «تحلیل و آسیب‌شناسی مهم‌ترین رویکردهای نقد بر اشعار اخوان‌ثالث در مقاله‌های نمایه شده (۱۳۷۰-۱۳۹۵)» از محمد مرادی و فاطمه احمدی است که به روش تحلیل محتوا تعداد ۵۲ مقالهٔ نمایه شده در محدودهٔ زمانی (۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵) را طبقه‌بندی، معرفی و نقد کردند. محدود بودن دایرهٔ پژوهش دو مقاله -به‌طوری‌که آثار پژوهشی در قالب کتاب و همچنین مقالات چندین دهه را نادیده گرفته‌اند- و عدم ارائه طبقه‌بندی موضوعی و منسجمی از کارنامهٔ اخوان‌پژوهی باعث شد ما در این گزیده آثار پژوهشی در حوزهٔ اخوان‌پژوهی (۳۶۰ مقاله و ۸۴ کتاب) را بر اساس بازهٔ زمانی و موضوعی دسته‌بندی و رویکردها و جریان‌های نقد حول شعر اخوان را بازنموده و نقاط ضعف و قوت آثار را بیان و برجسته‌ترین آثار را معرفی کنیم.

در حوزهٔ کتابشناسی اخوان جواد میزبان در کتاب از زلال آب و آیینه: تأملی در شعر مهدی اخوان‌ثالث (م.امید) در فصل دوازدهم و پایانی کتاب خود، فهرستی از کتاب‌ها، مجموعه‌ها و رساله‌های دانشجویی دربارهٔ اخوان را فراهم آورده است. حسین مسرت در کتاب میراث نیاکان: یادنامهٔ مهدی اخوان‌ثالث در بخشی به معرفی فهرستی از آثار منتشر شده در حوزهٔ اخوان اشاره دارد که در کتاب کتابشناسی اخوان ثالث آن را به‌صورت جامع‌تر ارائه و فهرستی بسیار مفصل از مجموعه کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها دربارهٔ اخوان را منتشر کرده است.

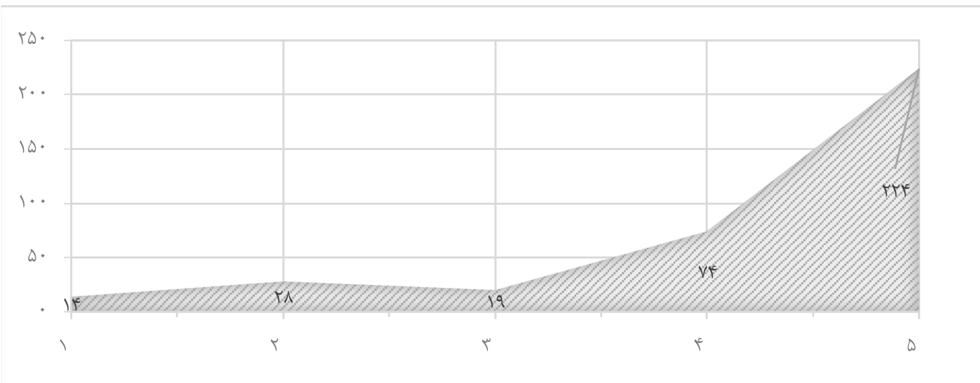
۳. بحث و بررسی

انتشار مجموعهٔ زمستان در سال ۱۳۳۵ باعث معرفی شاعری صاحب‌سبک در عرصهٔ شعر نیمایی شد که توانست نگاه منتقدان را به خود جلب کرد. اگرچه اخوان ۵ سال پیشتر مجموعهٔ شعری «ارغنون» را در شیوهٔ کلاسیک سرود، اما با توجه به فضای آن روزگار ادبیات و نقد چندان مورد توجه قرار نگرفت. انتشار مجموعه‌های آخر شاهنامه و از این اوستا بر همگان ثابت کرد که وی در شیوهٔ سرایش طرحی نو دارد. از دهه سی تا نیمهٔ دهه ۹۰ مجموعه ۳۶۰ مقاله[۳] در حوزهٔ شعر اخوان بررسی شد.

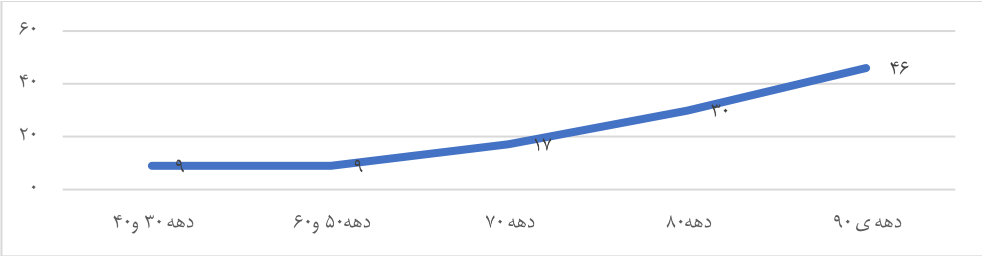
نمودار ۱. توزیع زمانی مقالات



نمودار۲. رشد مقالات



نمودار ۳. رشد مجلات و نشریات

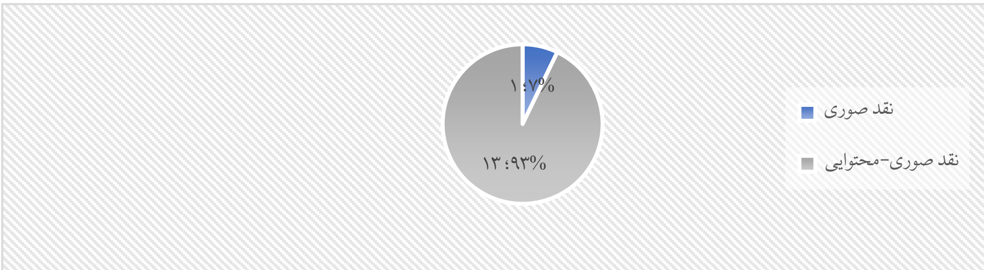


همان‌گونه که مشاهده می‌شود، حدود ۸۳٪ از مجموع مقالات در دو دههٔ پایانی نوشته شده‌اند و شمار نشریات و مجلات نیز در این دو دهه با روند صعودی چشمگیری مواجه شده است که در ادامه به دلایل این روند رشد خواهیم پرداخت.

۳-۱. بررسی مقالات دههٔ سی و چهل

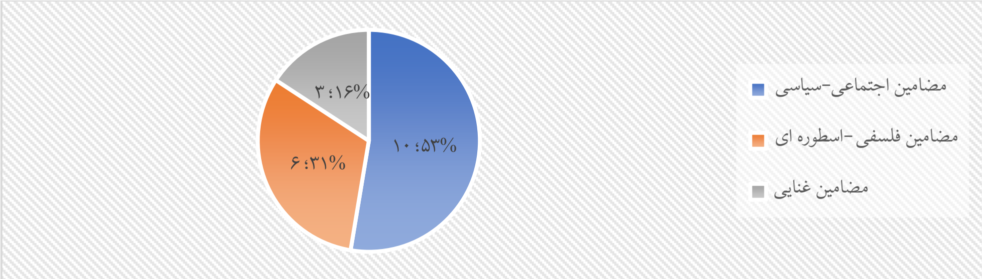
در این دوره از میان ۱۴ مقالهٔ نوشته شده تنها محمد حقوقی در مقالهٔ «از نشان دادن تا شعر» به بیان و تحلیل یک ویژگی شعر اخوان، یعنی فضای شعری پرداخت و دیگر منتقدان هر دو جنبهٔ صورت و محتوای شعر اخوان را توأمان نقد و تحلیل کردند.

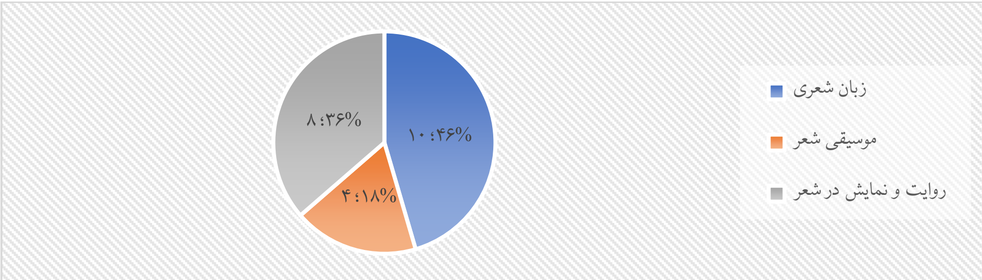
نمودار ٤. رویکرد نقد در دههٔ سی و چهل



در زمینهٔ محتوا منتقدان به بیان و بررسی سیر اندیشه در شعر اخوان از مجموعهٔ ارغنون تا شعرهای نو وی پرداخته‌اند. اشاره به موضوعاتی چون عشق، نفرت، اندوه، اعتراض‌های اجتماعی، نمایندهٔ توده مردم بودن، عصیان، بیان کنایی اوضاع سیاسی و اجتماعی، ناامیدی، سرگردانی انسان معاصر، مؤلفه‌های ایران باستان و تأملات فلسفی از مهم‌ترین مضامین شعری مورد توجه منتقدان است. در زمینهٔ وجوه صوری شعر اخوان نیز توجه منتقدان به زبان شعری، صور خیال، بار عاطفی شعر، بررسی قالب شعری، وزن و طنز در شعر بوده است.

نمودار ۵. توزیع موضوعی مقالات دههٔ سی و چهل





در این دو دهه مطالب کلی دربارهٔ زبان و ساختار شعر اخوان و شناساندن سبک و شیوهٔ شعری وی توسط منتقدان و شاعران برجسته چون فرخزاد، شفیعی‌کدکنی، آل‌احمد، اسماعیل خویی، اسماعیل نوری‌علاء و عبدالعلی دستغیب و محمد حقوقی انجام شد. شاعران بیش از همه به بیان عقیده دربارهٔ شعر و شاعری داشتند؛ چراکه منتقد به معنای واقعی و حرفه‌ای وجود نداشت. مهم‌ترین رویکردهای نویسندگان رویکرد متن‌محور، نویسنده‌محور و مقایسه‌ای است. در رویکرد مقایسه‌ای شیوه و اسلوب شعر اخوان با نیمایوشیج به‌عنوان بانی شعر نو از منظر عینی‌گرایی (توسط منتقدانی چون خویی و براهنی) و توانایی اخوان در شکستن قافیه (توسط نوری‌علاء) مقایسه شد که گاه وی را ناموفق و گاه توانایی وی را ستودند. در این دو دهه اکثر منتقدان شیوهٔ زبانی و ساختاری و محتوایی شعر اخوان را تأیید و تحسین کرده‌اند و تنها دو منتقد رضا براهنی و محمد حقوقی در نقد خود ضمن بیان وجوه مثبت به جنبه‌های منفی و عیوب شعری او اشاره کرده‌اند. در اواخر دههٔ سی و دههٔ چهل یکی از مهم‌ترین رویکردهای نقد توجه به محتوای متن ادبی بر اساس نگاه متعهدانه به ادبیات ناشی از رواج اندیشه‌های مارکسیستی و حزبی در نقد بود است. اگرچه شعر اخوان تا پایان این دهه اشعار اجتماعی و عاشقانه را دربرمی‌گیرد، اما توجه و نقدها اکثراً مختص اشعار اجتماعی و سیاسی اوست.

مقاله‌نویسی در این دو دهه همانند دههٔ ۸۰ و ۹۰ ساختارمند و براساس طرح پرسش و پاسخ نیست، بلکه منتقد به دلیل اینکه خود شاعر و یا نویسنده است و با اصول و قواعد هنر و شعر آشناست به بیان ویژگی‌های شعری یعنی

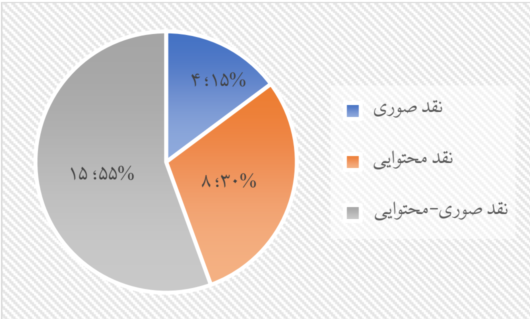
ساختار و محتوی موجود در شعر اخوان می‌پردازد. تعداد مقالات محدود و شمار صفحات بسیار کمتر از دهه‌های بعد است اما نکات مفید و ارزشمندی (همانند نوشتهٔ فروغ، دستغیب، براهنی، حقوقی و نوری‌علاء) را دربارهٔ ساختار و محتوای شعر اخوان گفته‌اند که هریک از آن‌ها بن‌مایهٔ مقالات متعدد در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شده است. نمونهٔ برجستهٔ اخوان‌پژوهی در این دوره مقالات شفیعی‌کدکنی است که اهم آن مقالهٔ «تحلیلی از شعر امید (مهدی اخوان‌ثالث)» و «اجمالی دربارهٔ اسلوب شاعری م. امید» است. در این دو مقاله شفیعی مهم‌ترین ویژگی‌های شعری (زبان و ویژگی‌های سبکی، اسلوب شعر، بررسی سیر و تحول اندیشهٔ و بیان و بررسی علت‌های تحول) را بیان کرد و اخوان نیز خود بارها این مقاله را از بهترین مقاله‌ها در نقد شعر خود دانست (اخوان‌ثالث، ۱۳۸۲: ۴۰۳). نقد شفیعی هم از نظر شیوه و هم از نظر مبانی نظری و نتایج جدید و نو است. در این مقالات شفیعی‌کدکنی با توجه به ارتباط متن با زمینهٔ (context) اجتماعی، فرهنگی، سیاسی در تولید محتوا و فرم شعر اخوان، بیان ریزه‌کاری‌های زیبایی‌شناسانه و محتوایی شعر در درک بهتر شعر اخوان به مخاطب کمک کرده است. علاوه بر این دستغیب در مقالهٔ «حماسه و سوگ در شعر م. امید» نکات ارزنده‌ای را در باب تلفیق کهنه و نو در زبان اخوان، اساطیر و فرهنگ ایرانی بیان و مضامین اجتماعی آن بیان کرد. براهنی در «پاره‌ای ملاحظات پیرامون شعر اخوان» از کتاب طلا در مس برخلاف سایر منتقدان استفاده اخوان از لغات و ترکیبات سبک خراسانی را با زبان شعر نیمایی ناموفق و پیوندی سرطانی دانست و معتقد بود گاه اخوان پا را از حد اعتدال بیرون گذاشته است (براهنی، ۱۳۴۴: ۱۲۷). همچنین شیوهٔ روایت‌پردازی وی را به دلیل لفاظی‌های بیش از حد ناموفق دانسته است. آنچه در نقد وی متمایز از دیگر نقدهاست، نقدی است که وی بر شیوهٔ نثر اخوان در مقدمه و مؤخرهٔ کتاب‌هایش نوشت و معتقد است نثر اخوان پیچیده و معقد و دارای مترادف‌های پی‌درپی و لفاظی‌های بی‌جا است (همان: ۱۲۳). براهنی در نقد خود، بیشتر به جنبه‌های ساختاری شعر اخوان اعم از روایت، زبان و بیان و شیوهٔ به‌کارگیری طنز در شعر اخوان پرداخت و در بعد محتوایی با اشاره به برخی از اشعار اخوان نکاتی کوتاه را بیان کرده است. دیگر منتقد شعر اخوان در این دوره نوری‌علاء است که با تفکیک اشعار اخوان در سه دستهٔ اجتماعی، عاشقانه و داستانی و هم‌چنین نقد زبان و موسیقی در شعر اخوان نکاتی ارزنده‌ای را بیان کرد. نوری‌علاء از اولین منتقدانی است که به مبحث «مقلدان اخوان» اشاره کرد و معتقد است که تنها عدهٔ معدودی حقیقت کار اخوان را درک کردند (نوری‌علاء، ۱۳۴۸: ۱۶۹). برخی مقاله‌ها همزمان با انتشار آثار نوشته شد و به دلیل هم‌دوره بودن منتقد و شاعر به زمینه‌های تاریخی در نقد شعر توجه نشد. در این دوره کتابی جداگانه در نقد و تحلیل شعر اخوان نوشته نشد بلکه نویسندگان ضمن نقد شعر و شاعران معاصر بخش، باب و یا فصلی را به نقد شعر اخوان

اختصاص داده‌اند: طلا در مس از براهنی، مقالهٔ «کتابی در سیاست و دفتر شعری در ذم «این کج آیین قرن دیوانه» نوشتهٔ جلال آل‌احمد در کتاب ارزیابی شتابزده و «شعر مهدی اخوان‌ثالث» در کتاب صور و اسباب در شعر معاصر ایران اثر اسماعیل نوری‌علاء.

۳-۲. بررسی مقالات دههٔ ۵۰ و ۶۰

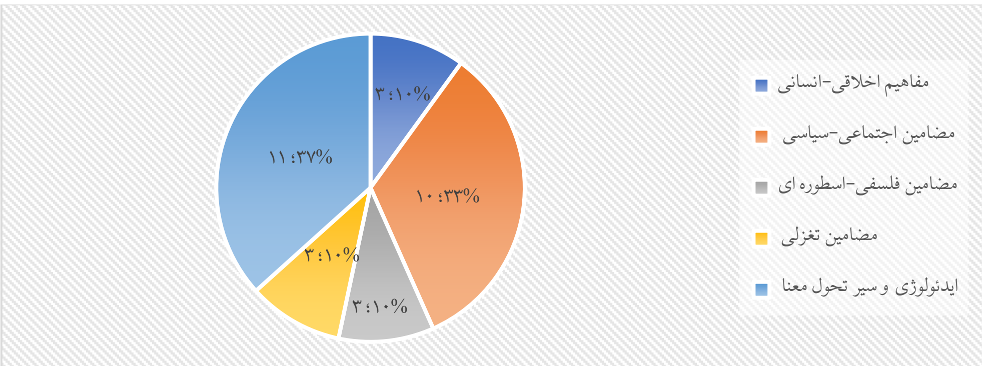
در این دوره شعر اخوان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران نیمایی مورد توجه منتقدان است و تنها ضیاء موحد در مقالهٔ «نقش اخوان در تثبیت شعر نیمایی» جایگاه اخوان را در دفاع از شعر نیما بررسی کرد. در این دوره نیز از مجموع ۲۸ مقالهٔ بررسی شده، ۱۵ مقاله (۵۵٪) شعر اخوان را از منظر محتوا-صورت نقد و بررسی کردند.

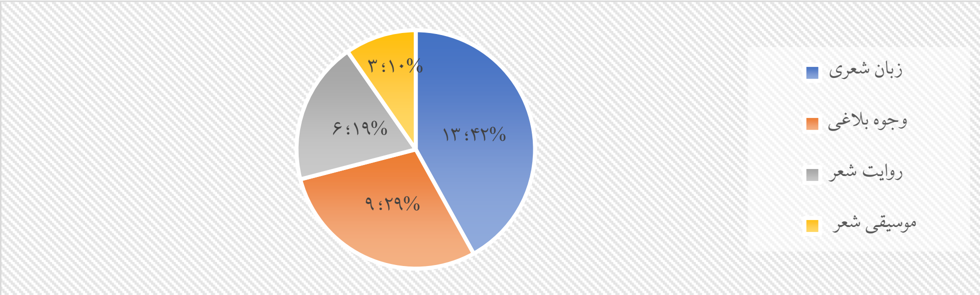
نمودار ۶. رویکرد نقد در دههٔ ۵۰ و ۶۰



در این دوره همچنان شعر اخوان به‌عنوان شعری محتوامحور مورد توجه است تا جایی‌که زرین‌کوب، اخوان را شاعری محتوایی می‌نامد (زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۱۰۷). در حوزهٔ نقد محتوایی تحلیل نظام‌اندیشگانی اخوان و حرکت و تغییر دیدگاه‌ها تا رسیدن به مانیفست فکریش در مؤخرهٔ از این اوستا، تفحص دربارهٔ علل این جهان‌نگری، بررسی محتوای سیاسی و اجتماعی و توجه به وجوه تغزلی از مواردی است که در کانون توجه منتقدان است.

نمودار ۷. توزیع موضوعی مقالات دههٔ ۵۰ و ۶۰





در تحلیل ساختاری بیشتر نقدها در حوزهٔ نقد لغوی (زبانی) و شیوهٔ روایتگری است. تصویرسازی و علل گرایش اخوان به تصویرسازی، رمزهای سیاسی-اجتماعی و وزن و موسیقی شعر مورد نقد و واکاوی منتقدان قرار گرفت. از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در این دوره، بررسی رابطهٔ لفظ و معنا در شعر اخوان است که دستغیب در مقالهٔ «شعر امید (مهدی اخوان ثالث)»، مهدی برهانی در «جایگاه اخوان در ادب فارسی» و فولادوند در «ای بی‌کاروان کولی» به آن پرداخته‌اند. در این دوره تحلیل چرایی در نقد شعر در حوزهٔ نقد ظاهری و محتوایی شکل می‌گیرد: چرایی استفاده اخوان از تصاویر شعری، چرایی یأس و ناامیدی در شعر اخوان و... . نگاه کلی در نقد جای خود را به رویکرد جزیی‌نگرتر داده یعنی منتقد تنها به یک شعر از مجموعه اشعار اخوان و یا یک موضوع خاص توجه دارد: «تفسیری بر شعر آنگاه پس از تندر» محمد حقوقی، «بررسی آرکائیسم در شعر اخوان» علی حصوری و .... منتقدان در این دوره نیز همانند ادوار قبل از بین شاعران و نویسندگان و منتقدان بنام هستند: داریوش آشوری، محمد حقوقی، حمید زرین‌کوب، هوشنگ گلشیری، غلامحسین یوسفی، ضیاء موحد، شمس لنگرودی، رضا براهنی، شفیعی‌کدکنی، سیمین بهبهانی، منوچهر آتشی، احمد کریمی‌حکاک، دستغیب و ....

توجه به برخی از نظریات اخوان دربارهٔ وزن و قافیه و اندیشه در شعر از دیگر موضوعات مورد توجه منتقدان است؛ در این دوره زرین‌کوب با اشاره‌هایی مختصر به دیدگاه‌های اخوان دربارهٔ شعر موزون و شعر بی‌وزن به نقش و جایگاه اخوان در تثبیت شعر نیمایی اشاره می‌کند. مقالهٔ «طلسم یأس» از احسان طبری در این دوره رویکرد و نگاهی متفاوت و متناقض با سایر منتقدان تا این دوره دارد. وی بنا به مبحث تعهد هنر در برانگیختن افراد جامعه برای مبارزه، شعر اخوان را از این منظر که اشاعه دهندهٔ یأس و ناامیدی است، شعر ناموفق دانست و آن را طرد کرد (طبری، ۱۳۵۹: ۴۶-۴۰). یکی از مهم‌ترین مشکلات نقدهایی ازاین‌گونه، نقد برخی از شاعران و نویسندگان با تمایلاتی حزبی و براساس ذائقه و مذاق شعری خود است که ماحصل آن تحمیل دیدگاه فکری و معرفت‌شناسی و زیبایی‌شناسانه منتقد در نقد است که نقد را به شائبهٔ اغراض آلوده می‌سازد.

نقد برخی از منتقدان همراه با بیان توانایی‌ها و زیبایی‌های و همچنین کاستی‌ها و ناتوانایی شعر اخوان در برخی وجوه شعری است. آشوری معتقد است اخوان در بیان عقیده و تمایلش به ایران باستان راه افراط پیش گرفته و دچار نژادپرستی شده است (آشوری، ۱۳۵۰: ۱۸۰). زرین‌کوب نیز در نقد خود ضمن بیان ظرافت‌های زبانی و کلامی شعر اخوان تلاش وی را در بازگشت به گذشته بیهوده می‌داند (زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۱۱۷).

وفات اخوان در شهریور ۱۳۶۹ باعث شد که برخی منتقدان دوره‌های متفاوت شعری وی را طبقه‌بندی و ویژگی‌های زبانی و محتوایی هر دوره و نقاط ضعف و قوت آن را بیان کنند که برجسته‌ترین آن نوشته‌های سیمین بهبهانی است که دسته‌بندی دقیقی از اشعار اخوان همراه با بیان ویژگی‌های مهم و اساسی ساختار، وزن، زبان و محتوا دارد. بهبهانی نخستین منتقدی است که به بحث دربارهٔ اوزان شعر اخوان پرداخت و با اشاره به وجه تمایز اخوان در استفاده از وزن، توانایی وی در کمال بخشیدن به برخی از اوزان شعر وی را ستود (بهبهانی، ۱۳۶۹: ۲۰۲-۲۰۳). شمس‌لنگرودی نیز به ارزش‌گذاری دوره‌های شعر اخوان می‌پردازد (شمس‌لنگرودی، ۱۳۶۹: ۲۴۴). بحث و نقد گلشیری در باب ذهنیت داستان‌نویسی مدرن اخوان در شعر قابل‌تأمل است.

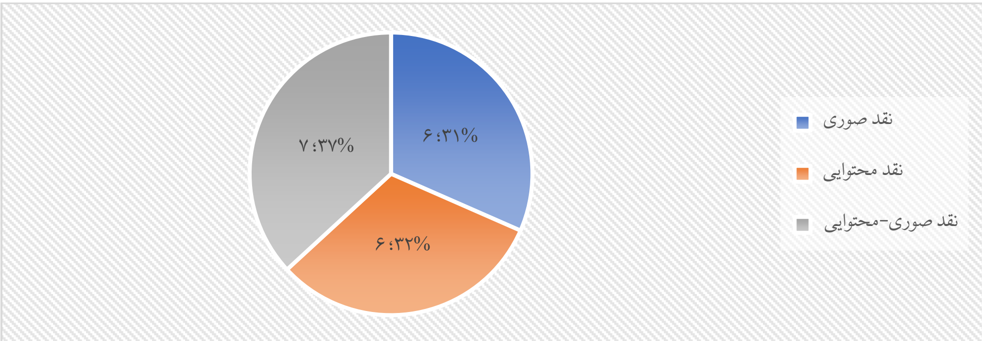
در این دوره منتقدانی ازجمله حقوقی نقدی در قالب مقاله و گاه بسیار مختصر در حوزهٔ شعر اخوان دارد که در دهه‌های بعد به‌صورت مفصل و در قالب کتابی جداگانه به چاپ می‌رسد. برخی از نوشته‌ها آن‌قدر مختصر و کوتاه است که نمی‌توان به این نوشته‌ها عنوان مقاله اطلاق کرد بلکه بیشتر دیدگاه و نظری کلی است و بیشتر جنبه ذوقی دارد مانند «دمی با شعر امید» از کاظم سادات اشکوری. لحن نوشتاری این گزیده‌ها صمیمی و ناشی از احساسات شخص نویسنده در هنگام خواندن شعر است. منصور رستگار فسایی در مقالهٔ «اخوان و فردوسی» به علاقهٔ شخصی به شعر اخوان اشاره می‌کند (فسایی، ۱۳۶۹: ۲۶۰). همچنین در همین مقاله شاهد اولین نمونه نقد بینامتنیت هستیم که نویسنده شعر اخوان را با شعر فردوسی مقایسه و برخی وجوه شباهت در حوزهٔ محتوا و ساختار در شعر دو شاعر را بیان می‌کند. در این دوره اگرچه بسیار ابتدایی اما می‌توان شروع نقد روانشناسی را در نظام معنایی شعر اخوان یافت: الهی در مقالهٔ «اندیشناک لحظه‌های سبز هستی» با بررسی چرایی و تحلیل انواع نومیدی‌های شعر اخوان ما را با نمونه‌ای نقد روانشناسی هرچند سطحی مواجه می‌کند. در این دوره با نقدهای متناقض و گاه کاملاً متضاد دربارهٔ موضعی خاص از شعر اخوان روبه‌رو هستیم. ایجاز و اطناب در شعر اخوان از موارد بحث‌برانگیز است. براهنی شیوهٔ روایتگری اخوان را دارای اطناب دانست؛ درحالی‌که عدنانی نظری کاملاً متضاد دارد و دارای نهایت ایجاز می‌داند یا نظریات شمس‌لنگرودی و فرزین عدنانی در تقابل با دیدگاه فولادوند در خصوص توفیق و عدم توفیق اخوان در اشعار

کلاسیک و ... . در اواخر این دوره انتشار کتاب موسیقی شعر اثر شفیعی‌کدکنی و برخورد فرمالیستی وی به هنر و به‌خصوص شعر باعث توجه منتقدان به آن و درنتیجه ایجاد تغییر و تحولاتی در حوزهٔ نقد ادبی گردید که نمونهٔ آن را در نوشتهٔ علی حصوری در نقد شعر اخوان است. تأثیر واقعی این کتاب در حوزهٔ نقد ادبی در دوره‌های بعد به‌وضوح قابل مشاهده است. مقایسه شعر و سبک اخوان با نیما در این دوره هم ادامه دارد. در این دو دهه نیز شاهد چاپ کتابی مستقل در زمینه اخوان و شعر او نیستیم و مثل دهه‌های قبل در کتاب‌هایی که به بحث دربارهٔ شعر نیمایی و شاعران این شیوه می‌پردازند شعر اخوان نیز به‌عنوان یکی از چهره‌های مطرح شعر نیمایی نقد شده است: حمید زرین‌کوب در کتاب چشم‌انداز شعر فارسی.

۳-۳. بررسی آثار پژوهشی دههٔ ۷۰

از این دهه به بعد با انتشار کتاب‌هایی در حوزهٔ اخوان‌پژوهی تقسیم‌بندی در دو قسمت کتاب و مقاله خواهد بود.

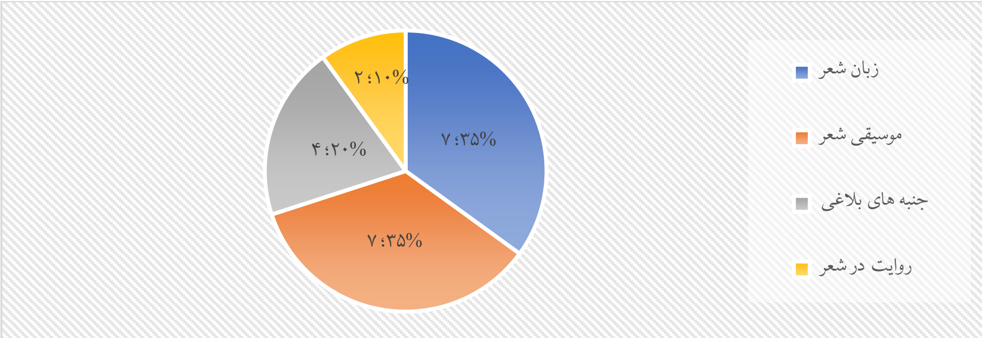
نمودار ۸. رویکرد مقالات دههٔ ۷۰

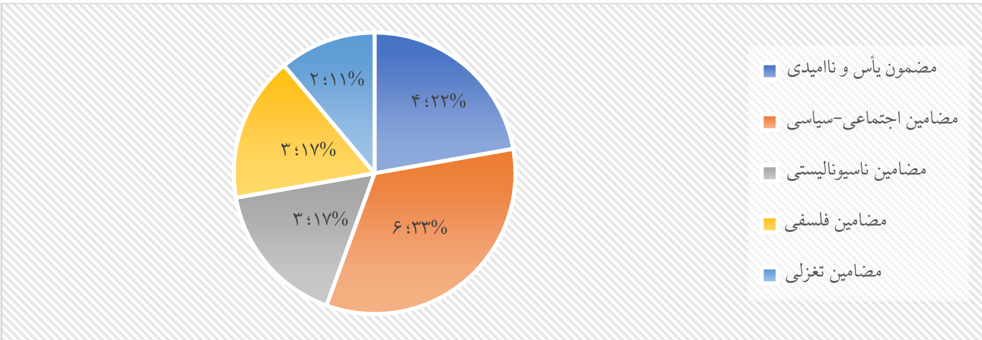


در بحث از ساختار شعر موضوعاتی چون زبان شعری، بررسی موسیقی و وزن، صور بلاغی و روایت در شعر اخوان بیشتر مورد توجه منتقدان بود. مهم‌ترین مقاله در این دهه در بحث ساختار مقالهٔ «زیبایی‌شناسی قافیه در اشعار اخوان‌ثالث» از محمدرضا محمدی است که سه نوع قافیهٔ صوتی، تصویری، القایی را در شعر شاعر بازیابی کرد. دیگر مقالهٔ «آمیزش شعر و داستان در آثار اخوان‌ثالث» از مهدی زرقانی است که شعر اخوان را به دو دستهٔ داستان و شبه‌داستان تقسیم کرد و به نقد آن پرداخت. مجموعه مقالات «شعرهای اخوان‌ثالث در شیوه‌های نو» نوشتهٔ فولادوند در نشریهٔ آینده از مهم‌ترین مقاله‌های این دوره در تحلیل و نقد اشعار نیمایی اخوان است. وی همچنین مقالهٔ «دوگانگی زبان اخوان» را نوشت که در آن به‌صورت تخصصی در باب تحول زبان شعری اخوان بر اساس محتوای شعری بحث

کرد. در زمینهٔ نقد محتوایی برجسته‌ترین مقالهٔ «م. امید شاعر شکست» از اسماعیل خویی است که نویسنده در بررسی علل ناامیدی و روحیهٔ شکست در شعر اخوان به تحلیلی روانشناسی و فلسفی و نگاهی جدید به شکافتن موضوع مورد بحث دارد و به نتایجی رسید که دیدگاه اکثر منتقدان قبل از خود را رد کرده است.

نمودار ۹. توزیع موضوعی مقالات دههٔ ۷۰





کتاب‌های نوشته شده در این دهه بر اساس موضوعات مورد بررسی ۴ دسته‌اند:

- کتاب‌هایی که به بررسی و سیر تحول اندیشه و ساختار شعر اخوان پرداخته‌اند و در زمینهٔ نقد شعر اخوان از کتاب‌های مهم و ارزشمند هستند: نگاهی به مهدی اخوان‌ثالث؛ عبدالعلی دستغیب، شعر زمان ما، مهدی اخوان‌ثالث: شعر مهدی اخوان‌ثالث از آغاز تا امروز، شعرهای برگزیده، تفسیر و تحلیل موفق‌ترین شعرها؛ محمد حقوقی و آواز چگور: زندگی و شعر مهدی اخوان‌ثالث (م. امید) اثر محمدرضا محمدی‌آملی.
- آثاری که تنها یک وجه از شعر اخوان را در تمامی آثار مورد نقد و تحلیل کردند: رمز و رمزگرایی در اشعار مهدی اخوان‌ثالث اثر علی احمدپور.
- یادنامه‌ها: باغ بی‌برگی به همت مرتضی کاخی، ناگاه غروب کدامین ستاره گردآورنده محمد قاسم‌زاده، سحر

دریایی و دفترهای زمانه جمع‌آوری و تدوین سیروس طاهباز.

- گفت‌وگوها و مصاحبه‌های اخوان: صدای حیرت بیدار زیر نظر مرتضی کاخی، گفت‌وگو با احمد شاملو، محمود دولت‌آبادی، مهدی اخوان‌ثالث از محمد محمدعلی و دربارهٔ هنر و ادبیات؛ گفت‌وشنودی با مهدی اخوان‌ثالث و علی موسوی گرمارودی به کوشش ناصر حریری.
- آثاری که به بررسی و نقد جنبه‌ای از شعر در اشعار چند شاعر می‌پردازند: بینش اساطیری در شعر معاصر فارسی: نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان‌ثالث... بهزاد رشیدیان، انسان در شعر معاصر، یا (درک حضور دیگری): با تحلیل شعر نیما، شاملو، اخوان، فرخزاد اثر محمد مختاری، تصویرها و توصیف‌ها در شعر معاصر ایران: نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان‌ثالث، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد به‌کوشش محمدرضا برزگرخالقی، کامیار عابدی.

در مقالات این دوره هم همانند دوره قبل توجه بیشتر منتقدان به تحلیل هر دو بخش از شعر اخوان بوده است که از این میان زبان شعری و محتوای اجتماعی و سیاسی و یأس موجود در شعر اخوان بیشتر مورد توجه بوده است. اکثر مقالات تکرار مطالب بیان‌شده در دوره قبل است و تنها برخی از مقالات رویکرد و نتایجی جدید در حوزهٔ شعر اخوان بیان کرده‌اند. گاه با نظریات مخالف منتقدان دربارهٔ یک جنبه از وجوه شعری اخوان روبه‌روییم که باعث شد نقد از حالت یکنواختی بیرون آید و مخاطب را به چالش و کنکاش و تفکر وادارد؛ مانند دیدگاه و نظر دستغیب دربارهٔ نماد در شعر اخوان و دیدگاه منتقدانی چون خویی و آملی در نقد و تحلیل محتوای یأس و شکست در شعر اخوان.

برخی از موضوعات و بحث‌های کتاب‌ها تکراری و در دهه‌های قبل در مقالات توسط دیگر منتقدان بیان شده و یا موارد بدیهی است که خود اخوان و سایر منتقدان نیز آن را بیان کرده‌اند همانند: تلفیق زبانی خراسانی و نیمایی در شعر اخوان، گرایش اخوان به ایران باستان و فرهنگ و اسطوره‌های ایرانی و .... ضعف عمدهٔ این آثار بیان موضوعات تکراری و عدم مسأله محور بودن آنهاست که نویسندگان بدون توجه به ضرورت تحقیق و کارایی آن، مطالبی کلی را بیان کرده‌اند. اگرچه در دههٔ قبل شعر اخوان با بنیان‌گذار شعر نو با استفاده از رویکرد مقایسه‌ای تحلیل شد اما در این دوره نویسندگان به‌منظور تمایز شیوهٔ خاص اخوان چه از منظر ساخت و چه محتوا، شعرش را با سایر شعرای معاصر مقایسه کرده‌اند که رویکردی نو و جدید در این دهه است و نمونهٔ آن در کتاب محمد حقوقی است. در برخی از این آثار منتقدان بعد از شرح و تحلیل جنبه‌های ساختاری و محتوایی چند نمونه شعر را تحلیل کردند که از جهت اقناع و تفهیم مطلب راهگشاست که در اثر تألیفی محمد حقوقی و عبدالعلی دستغیب می‌بینیم. نگاهی به مهدی اخوان‌ثالث

از دستغیب از حیث ردیابی بازخوردهای اجتماعی و سیاسی و اندیشگانی شاعر در تحلیل و توضیح سایر ویژگی‌های شعری و تأکید بر عوامل برون‌متنی در تقسیم‌بندی اشعار اخوان متمایز است.

در اکثر منابع مورد بحث، توجه منتقدان بیشتر بر نقد و بررسی اشعار نیمایی اخوان است؛ چراکه منتقدان براین باورند که اسلوب خاص اخوان در اشعار نیمایی اوست (دستغیب، ۱۳۷۳: ۲۱). توجه به علوم و مباحث علم نشانه‌شناسی و نظریه‌های مربوط به آن با کتاب آواز چگور محمدی آملی شروع شد. نویسنده دال و مدلول‌ها در شعر «آخر شاهنامه» را در بستر تاریخی، اجتماعی و سیاسی جامعهٔ شاعر تحلیل کرد. در همین کتاب نویسنده با تقسیم اشعار اخوان به تأویل معنایی و نقد آن با رویکردی جدید پرداخت و نکات تازه‌ای را بیان کرد. در حقیقت حسن این موضوع صرف‌نظر از درست یا اشتباه بودن آن، عدم نگاه جزمی و مطلق‌انگارانه به نوشته‌های قبل است که از نتایج آن توجه به تحلیل‌های انتقادی در حوزهٔ علوم انسانی است. نگاه جزیی‌نگر و عمیق‌تر در نقد آثار تألیفی این دوره باعث شد با نقدهایی همه‌جانبه همراه با تسلط نویسنده بر موضوع مورد بحث و عمیق‌تر شدن نگاه انتقادی به اثر روبه‌رو شویم که در نتیجهٔ آن نقد از حالت کلی‌گویی دور شد مثل «زیباشناسی قافیه در اشعار اخوان‌ثالث» از محمدرضا محمدی و کتاب رمز و رمزگرایی در اشعار مهدی اخوان‌ثالث از احمدپور. منتقدان با واکاوی شعر اخوان و ارتباط آن با مفاهیمی جدید چون انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی شعر اخوان را با رویکردی جدید نقد کردند و زوایای پنهانی شعر را گشودند: نقد معرفت‌شناسی شعر امید به‌منظور واکاوی و شناخت انسان معاصر توسط مختاری و نقد فلسفی-روانشناسانه اسماعیل خوئی در مقالهٔ «م. امید شاعر شکست». در این دوره شاهد نقدهایی علمی‌تر و عاری از تعصب و یا گرایش و علاقه‌مندی به شعر اخوان هستیم. آواز چگور و هم چنین نقد محمد حقوقی بر شعر اخوان از نمونه‌های برجسته این نوع نگاه انتقادی است. از دیگر موارد نقد اشعار اخوان بر اساس نظریات خود اخوان در حوزه شعرشناسی است. دستغیب و محمدی‌آملی در نقد خود دیدگاه اخوان در تعریف شعر و ویژگی‌های شعر خوب را ملاک قرار دادند.

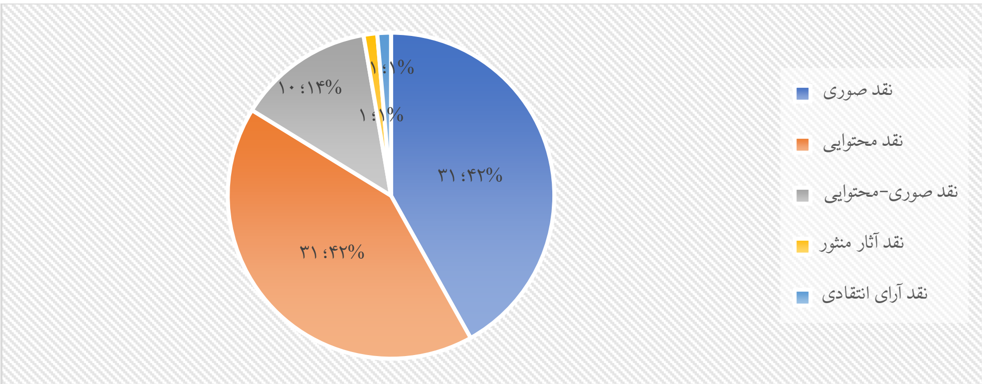
منتقدان در این دوره به مباحث نظری در نقد و تحلیل توجه دارند. فولادوند در تحلیل موسیقی شعر اخوان، اساس کار خود را تقسیم‌بندی شفیعی‌کدکنی از موسیقی در کتاب ادوار شعر فارسی و علی حصوری مبنای نظری تحلیل خود را با تأکید بر اصطلاح «رستاخیز کلمات» و آرکائیسم بیان می‌کند. مهدی زرقانی در تحلیل عناصر داستان در شعر اخوان کتاب جمال میرصادقی را اساس نظری پژوهش خود قرار داد و برای نخستین بار حسن ذوالفقاری در نقد شعر اخوان از واژگان تخصصی در حوزه نقد ادبی فرمالیستی و ساختاری همچون «برجسته‌سازی لغوی و نحوی»

استفاده کرد. در این دوره شاهد تحولی هرچند جزیی در ساختار مقالات هستیم که از لحاظ ساختار و اسلوب مقاله‌نویسی، حد فاصلی بین مقالات دورهٔ اول و مقالات دههٔ ۸۰ و ۹۰ هستند. ارجاع به سخن دیگر منتقدان و صاحب‌نظران، انتخاب عنوان گویا، بیان مبانی نظری دربارهٔ موضوع مورد بحث، بیان اهمیت موضوع، پرهیز از پراکنده‌گویی و کلی‌گویی، ذکر فهرست منابع از تحولات ساختاری در مقالات این دوره است.

۳-۴. بررسی آثار پژوهشی دههٔ هشتاد

در این دهه مقاله‌نویسی به نوعی تبی فراگیر و همه‌گیر شد و شمار بالای نشریات متعدد علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی نسبت به دههٔ قبل باعث چاپ و انتشار مقالات متعددی در همه زمینه‌ها و من‌جمله حوزهٔ اخوان‌پژوهی گردید. عمده علت رشد مقالات در این دهه و دههٔ بعد، گسترش تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و ملزم شدن دانشجویان به استخراج و چاپ مقاله از رساله خود به‌عنوان پیش‌شرطی برای دفاع از پایان‌نامه و رشد چشمگیر نشریات و همچنین ترجمهٔ آثار متعدد در زمینهٔ نقد ادبی و رویکردهای نقد بوده است.

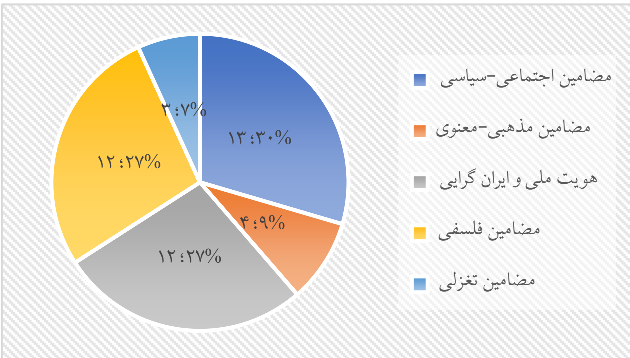
نمودار ۱۰. توزیع رویکرد مقالات دههٔ ۸۰

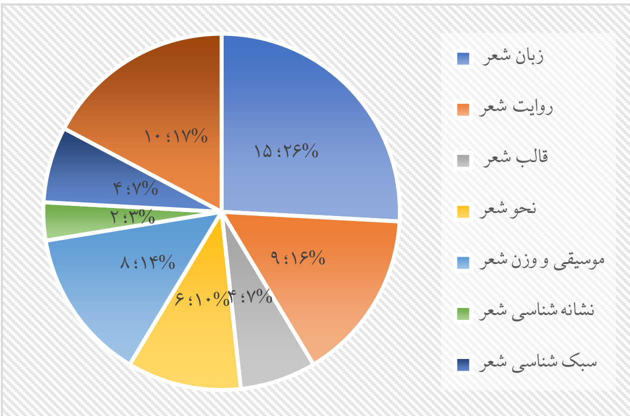


در حوزهٔ نقد صوری توجه منتقدان بیشتر به مباحث لغوی و تحلیل زبان شعری اخوان است. تکراری بودن نتیجه مقالات از نکات منفی این مقالات است. به‌طور مثال در بحث از باستان‌گرایی و هنجارگریزی در لغت، صرف و نحو شعر اخوان ۸ مقاله دارای نتایجی مشابه هستند که از اولین نقدها بر شعر اخوان (نقد فرخزاد) و حتی در کلام خود اخوان (میانبری از خراسان به مازندران زدن) به آن اشاره شد. درواقع چنین پژوهش‌هایی رویکردی توصیفی داشته و از پیش‌فرض‌هایی که دربارهٔ شعر اخوان از اولین نقدها گفته شد و یا خواننده در ارتباط با شعر اخوان خود قادر به درک

آن است، فراتر نرفته‌اند. در حوزۀ نقد بلاغی برجسته‌ترین مقالۀ «طعن یا آیرونی در آثار مهدی اخوان‌ثالث» از مریم مشرّف است که با چشم‌اندازی نوین، آیرونی و انواع آن را در شعر اخوان بررسی کرده که از جهت نتایج به دست آمده و رویکرد منتقد، ارزشمند است. در این دهه توجه به رویکردهای جدید برای نقد و شرح موضوعاتی چون مجاز، استعاره، تشبیه و دیگر صناعات ادبی بلاغت قدیم که نقد شعر اخوان در دهه‌های پیشین برمبنای آن انجام شده بود، بر مبنای نظریات زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و بینامتنیت مورد واکاوی مجدد قرار گرفت. محققین تلاش دارند که بر اساس چالش‌های نوین در علوم انسانی و ادبیات و شعر به نقد و شرح این مفاهیم در شعر اخوان بپردازند، به‌طورمثال می‌توان از مقالۀ «مجاز مرسل و پیوند آن با ابهام در شعر نیما، اخوان، سپهری و فروغ فرخزاد» نام برد که در آن نویسندگان برمبنای نظریۀ یاکوبسن از مجاز به نقد این عنصر بلاغی در شعر اخوان پرداخته‌اند. اگرچه استفاده از نظریۀ ادبی در این دوره و دهه بعد با چالش‌هایی همراه است؛ اما استفاده منتقدانی چون حسین پاینده و علیرضا انوشیروانی از رویکردهای نوین نقد چون نشانه‌شناختی و روانشناسی در تحلیل منجر به کشف زوایای پنهان و ناشناختۀ از شعر اخوان و آشنایی خواننده با مفاهیم جدید در دنیای نقد شعر شد که دارای ارزش و اعتبار است. استفاده از این نظریه‌ها در نگارش مقاله با اهدافی همچون «نگاهی دیگرگون به متون ادبی» و یا «ارائۀ برداشت‌هایی نو» از آن‌ها و «آشکارسازی ظرفیت‌های گوناگون» متون ادبی به کار گرفته می‌شود.

نمودار ۱۱. توزیع موضوعی مقالات دهۀ ۸۰





از میان مفاهیم شعری اخوان، توجه منتقدان بیشتر به بررسی و تحلیل یأس و ناامیدی و مفاهیم اجتماعی-سیاسی در شعر اخوان و تعمق در علل و دلایل این مفهوم شعری با استفاده از رویکردهای جدید بوده است. نویسندهٔ مقالهٔ «منظورشناسی جملات پرسشی در شعر اخوان» بعد از آوردن جامعه آماری پرسش‌های شعری تأیید نمود که تمام جمله‌های پرسشی که دربردارندهٔ مقولهٔ یأس و ناامیدی هستند، با صیغهٔ اول شخص بیان شده‌اند. گاه نتایج منتج از این مقالات نیز در پیوند با نقدهای کهن‌گرا و اجتماعی هستند که نکته‌ای جدید را بازگو نکرده‌اند؛ به‌طوری‌که بیشتر مقالات مربوط به نقد مضامین اجتماعی — سیاسی و یأس و ناامیدی ناشی از آن در شعر اخوان بیشتر جنبهٔ توصیفی داشته و منتقدان با ارائه فهرستی از واژگان و آوردن مثال‌هایی از شعر اخوان سعی داشته‌اند که این یأس را در شعر وی نشان دهند فارغ از نگاهی نقادانه و تحلیل‌نگرانه. گاه نیز منتقدان از رویکردهای جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در تحلیل مفاهیم شعری بهره برده‌اند و پژوهش نتایجی درخور را دربرداشته است.

توجه به رویکرد مقایسه‌ای و تطبیقی در نقد در این دهه نسبت به ادوار گذشته دارای نوآوری و تازگی است و شعر اخوان در ارتباط با شاعران ایرانی و دیگر ملت‌ها بررسی شد. اگرچه در این دهه توجه به رویکرد ادبیات تطبیقی به معنای خاص مد نظر نویسندگان نبود و در دههٔ بعد تخصصی‌تر مورد توجه است، اما همین مقایسه و توجه به وجوه اشتراک و افتراق شاعران نیز درخور است. ازجمله امتیازاتی که مختص مقالات این دوره است رعایت کردن شکل و ساختار علمی مقالات است. شمار مجلات و نشریات در این دهه نسبت به دوره قبل رشد چشمگیری داشته است.[۳]

در این دهه ۲۴ کتاب در نقد و تحلیل شعر اخوان نوشته شد که بر اساس موضوع و رویکرد و هدف تألیف به موارد زیر تقسیم شده‌اند:

- برخی از کتاب‌ها به نقد و تحلیل جنبه‌های صوری شعر اخوان پرداختند؛ آوا و القا؛ رهیافتی به شعر اخوان‌ثالث از مهوش قویمی و از زلال آب و آیینه: تأملی در شعر مهدی اخوان‌ثالث (م. امید) از جواد میزبان.
- گاه در کنار دیگر شاعران معاصر یکی از وجوه صوری شعر اخوان نقد و بررسی شد: آیینه‌ای بی‌طرح؛ آشنایی‌زدایی در شعر شاعران امروز (نیمایوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان‌ثالث، سهراب سپهری)
- برخی از آثار نیز تکیه و تأکیدشان بر محتوای شعری است: تجربه‌های همه تلخ: نگاهی به سروده‌های مهدی اخوان‌ثالث (م. امید) اثر رحیمی‌نژاد.
- گاه نیز منتقد نقد محتوایی شعر اخوان را در کنار دیگر شعرای معاصر مورد توجه قرار داده است: جلوه‌های معشوق در ادبیات معاصر: بررسی عشق و جایگاه معشوق در اشعار پنج شاعر برجستهٔ معاصر «نیما، شاملو، مشیری، اخوان‌ثالث و فروغ فرخزاد اثر برابرپور.

- در برخی از آثار نیز منتقد رویکردی محتوایی- صوری در نقد دارد گاه اثر تألیفی تنها به شعر اخوان اختصاص دارد نظیر امیدی دیگر: نگاهی تازه به شعرهای مهدی اخوان‌ثالث از ضیاءالدین ترابی، اخوان، شاعری که شعرش بود از منوچهر آتشی و گاه در کنار دیگر شعرای معاصر شعر اخوان را نقد کرده‌اند: سیاه و سپید: مقایسه و نقد تحلیلی شعر سهراب سپهری و م. امید اثر داود هزاره، از چهره‌های شعر معاصر: اخوان‌ثالث، شاملو، سپهری، شفیعی کدکنی .... اثر عزت‌الله فولادوند.
- برخی از کتب منتشر شده در این دهه و دههٔ بعد بحثی تخصصی و مطلبی تازه و بدیع در حوزهٔ اخوان‌پژوهشی ندارند و هدف از تألیف این آثار آشنایی نوجوانان و نسل جدید با شعرای معاصر است. شرح‌حال شاعران معاصر ایران تألیف اکبر مرتضی‌پور، مهدی اخوان‌ثالث؛ مشاهیر ایرانی ۴۲ از علی رزاقی‌شانی، اخوان‌ثالث، مهدی الماسی و اگر تو شاعر باشی: نگاهی به شعرهای نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و احمد شاملو و... ناصر یوسفی ... .
- نخستین کتاب دربارهٔ نقد دیدگاه‌های انتقادی اخوان نظریهٔ ادبی مهدی اخوان‌ثالث و احمد شاملو نوشتهٔ عباس جباری‌مقدم است که در آن ضمن بحث و نقد دربارهٔ نظریات اخوان در حوزهٔ ادب و شعر به نقد شعر اخوان بر اساس دیدگاه‌ها و نظریات انتقادی خود اخوان می‌پردازد.
- برخی از کتاب‌ها رسالهٔ دانشجویان تحصیلات تکمیلی است که به‌صورت کتاب تألیف و چاپ شده‌اند؛ تجربه‌های همه تلخ: نگاهی به سروده‌های مهدی اخوان‌ثالث (م. امید)، کاظم رحیمی‌نژاد و آیینه‌ای بی‌طرح؛ آشنایی‌زدایی در شعر شاعران امروز (نیمایوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان‌ثالث، سهراب سپهری) فروغ جلیلی.

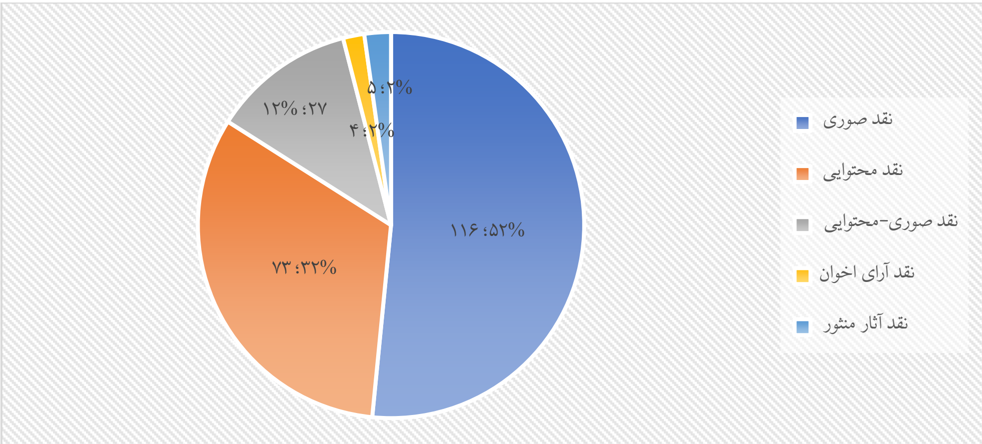
در میان کتب منتشر شده در نقد و تحلیل شعر اخوان در ساحت صورت می‌توان از دو اثر برجسته نام برد: آوا و القا؛ رهیافتی به شعر اخوان‌ثالث از مهوش قویمی؛ نویسنده با رویکردی جدید به بحث زبان‌شناسی و تحلیل آواشناسی شعر پرداخت و مبحث روایت را که همواره در میان منتقدان موضعی چالش‌برانگیز داشت، نقد کرد. از طرفی دیگر در این کتاب ما با نقد نقد مواجهیم و منتقد با نگاهی به نظر براهنی در باب روایت دیدگاه خود را بیان کرده است. از زلال آب و آیینه: تأملی در شعر مهدی اخوان ثالث (م. امید) اثری ارزشمند از جواد میزبان است که نویسنده با بحثی جامع و مستند و با محدود کردن دایره پژوهش خود زبان شعری اخوان را از جنبه‌های گوناگون تحلیل و جزئیات زبانی شعر اخوان را برای خواننده بیان کرد. در حوزهٔ نقد صورت و محتوا کتاب اخوان، شاعری که شعرش بود از منوچهر آتشی از جهاتی ارزشمند است؛ نویسنده اساس کار خود را بر نقد دیدگاه‌های منتقدان شعر اخوان قرار

داد و با به چالش کشیدن نظر آنان، نکاتی جدید را دربارۀ شعر اخوان بیان کرد. امیدی دیگر: نگاهی تازه به شعرهای مهدی اخوان‌ثالث عنوان کتاب ترابی است که اشعار اخوان را در سه نوع کلاسیک، نئوکلاسیک و نو دسته‌بندی و تحقیقی جامع را در حوزۀ ساختار و محتوای آن ارائه داد.

۳-۵. بررسی آثار پژوهشی دهۀ ۹۰

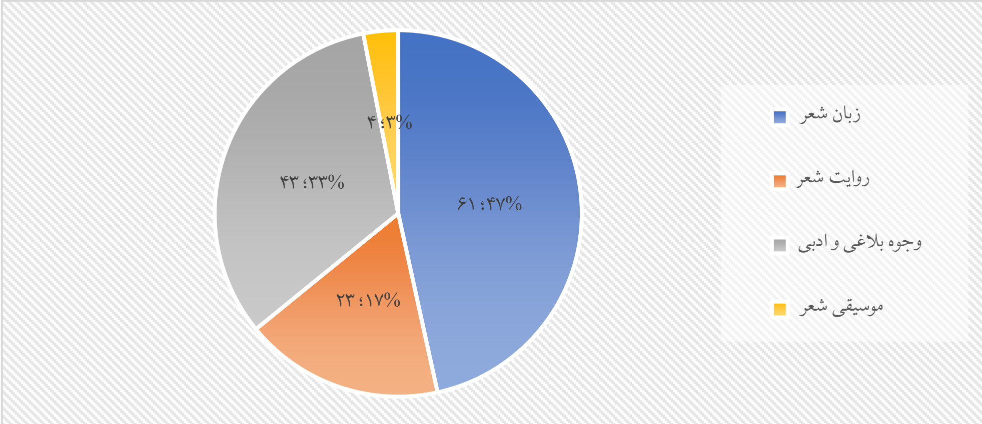
شمار مقالات در این دهه به دلیل برگزاری همایش اخوان در دانشگاه یزد بسیار است؛ ۲۲۵ مقاله که تمام آثار اخوان از شعر تا آرا و نظریات انتقادی و آثار داستانی وی را در برمی‌گیرد. مقالات این دهه دارای تنوع موضوعات و رویکردهای تازه در نقد است.

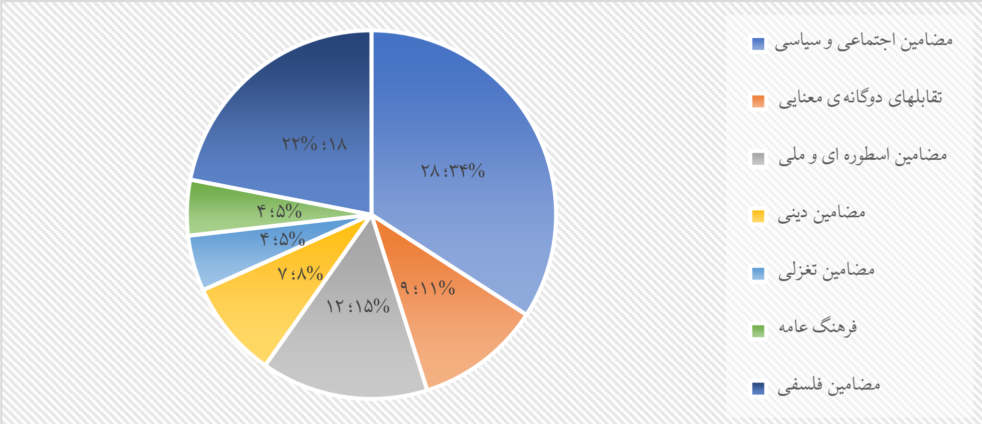
نمودار ۱۲. رویکرد مقالات دهۀ ۹۰



شمار مقالات در این دهه بسیار زیاد است؛ ۲۲۵ مقاله. تمام آثار اخوان از شعر گرفته تا آرا و نظریات انتقادی و نیز آثار داستانی وی نیز مورد توجه منتقدان بوده است. همان‌طور که در نمودار آمده ۱۱۶ مقاله (۵۲٪) تنها وجوه ساختاری شعر اخوان را بررسی کردند. در حوزۀ نقد لغوی همچنان مهم‌ترین موضوع، زبان شعری اخوان است. تفاوت این مقالات با مقالات دهۀ قبل استفاده از مباحث ساختارگرایانه و شعرشناختی در نقد زبان شعری است که گاه نتایج تکراری و گاه نکات جدیدی را دربرداشته‌اند. آنچه در باب ساختار و محتوای شعر اخوان در تمامی مقالات مد نظر منتقدان بوده است به شرح زیر است:

نمودار ۱۳. توزیع موضوعی مقالات دههٔ ۹۰





در این دهه ۲۲ مقاله رابطهٔ ذهن و زبان (لفظ و معنا) را در شعر اخوان تحلیل کردند. نتایج برخی از این مقالات به بیان علل جاودانگی و توفیق برخی از اشعار اخوان منجر شده که قابل تأمل است. بررسی و تحلیل‌هایی از این دست می‌تواند خواننده را با نگاه و رویه‌ای جدید در نقد شعر آشنا و از جهت پررنگ بودن حضور منتقد در متن و همچنین تلاش برای نشان دادن ارتباط زبان، معنا و فرم در تحلیل انتقادی راهگشا و مفید است. در این دهه استفاده از رویکرد تطبیقی در بررسی و تحلیل ویژگی‌های ساختاری و محتوایی شعر اخوان با دیگر شاعران -اعم از دیگر ملل و ایرانی- بسامد بالایی دارد به‌طوری‌که از مجموع ۲۲۵ مقاله ۴۵ مقاله (۲۰٪) از رویکرد تطبیقی استفاده کردند. گسترش استفاده از این رویکرد به دلیل ترجمه و تألیف آثار متعدد در این زمینه بوده است و از جهت اینکه رویکردی بین فرهنگی است و زمینه‌ای برای ایجاد و توسعه تعاملات فرهنگی و شناخت و درک ادبیات دیگر ملت‌ها را فراهم

می‌آورد حائز اهمیت است. اگرچه گاه نتایج تکراری است اما از این جهت که تفاوت شعر اخوان با دیگر شعرا را نشان می‌دهد درخور هستند. دیگر رویکردهای مورد استفاده ساختگرا (۲۲ مقاله) جامعه‌شناسی (۹ مقاله)، روانشناسی و کهن‌الگویی (۸ مقاله) بوده است. توجه به مطالعات بینارشته‌ای و گسترش آن‌ها در این دهه باعث شرح‌های تازه‌ای در زمینۀ شعر اخوان شد. عیب مقالات نظریه‌محور ازاین‌جهت است که در بسیاری از پژوهش‌ها تنها خوانشی از اشعار اخوان با تکیه بر موتیف‌های نقد بر اساس نظریات صورت گرفته است. به‌طور مثال در نقد کهن‌الگویی در شعر اخوان، هر معنایی شعر اخوان در سایه معانی کهن‌الگویی بازتعریف و معنا شد و تطابقی میان شاخص‌های نقد کهن‌الگویی و شعر اخوان صورت گرفت بدون آنکه دستاوردی جدید را به همراه داشته باشد. این رویکرد تنها محدود به نقد کهن‌الگویی نبوده و در سایر رویکردهای نظریه‌محور هدف پژوهشگر انطباق نظریه با معانی و یا وجوه شعر اخوان و یافتن شواهد شعری و نزدیک کردن جهان متن با مبانی نظری بوده است به بیانی دیگر نوعی مصرف‌گرایی در استفاده از نظریه‌هاست که گاه حالت تحمیل نظریه بر نوشته دارد که منجر به درک و تأویل جدیدی از شعر نشده است. نمونه بارز آن در بحث هنجارگریزی که ۹ مقاله به نتیجه یکسان رسیدند که می‌تواند ناشی از عدم توجه نگارندگان به پیشینۀ پژوهش باشد. ذکر شماری از آن‌ها: «هنجارگریزی زمانی در شعر اخوان‌ثالث»، «هنجارگریزی در مجموعۀ شعر از این اوستا»، «بررسی نمودهای هنجارگریزی در «خوان هشتم» و راز ماندگاری این شعر»، «هنجارگریزی زمانی (باستان‌گرایی) در اشعار اخوان‌ثالث»، «برجسته‌سازی در شعر اخوان‌ثالث»، «زبان و کاربردهای باستان‌گرایانه در اشعار مهدی اخوان‌ثالث»، «کهن‌گرایی واژگانی در شعر اخوان» و بسیاری دیگر. در زمینۀ نقد محتوایی نیز همانند دورۀ قبل توجه به مفاهیم ملی و وطنی، اجتماعی و سیاسی و یأس مورد توجه پژوهشگران است که باید گفت این نقدها نیز گاه حالتی توصیفی داشته است. نویسندگان برای اثبات آنچه عیان بوده به ارائه فهرستی از واژگان و ابیاتی از اخوان و نقل‌قول‌هایی از اندیشه‌های وی در خلال مصاحبه‌ها و یادداشت‌هایش اشاره کرده‌اند تا آنچه را که نه‌تنها توسط منتقدان قبل بلکه در شعر نیز قابل درک است اثبات کنند. عیب عمدۀ این مقالات بازتولید کلیشه‌های مطرح شده در نقد بدون توجه به زمینه‌های شکل‌گیری و چرایی استفاده اخوان از این هنجارگریزی و ارتباط زبان با ساختار اجتماعی و سیاسی و نقش آن‌ها در زیبایی‌شناسی شعر بوده است؛ چرا که یکی از رسالتهای منتقد استخراج معانی و صور زیبایی‌شناسانه اثر ادبی است.

بررسی تأثیر و تأثر میان شاعران که از دهه قبل شروع شد و در این دهه نیز رواج دارد. توجه و مقایسه شعر اخوان با شعرای کلاسیک ضمن بیان وجوه تمایز و شباهت شعر کلاسیک و معاصر، رهیافتی به سبک‌شناسی شعری در هر

دو دوره نیز هست. در مقالهٔ «بررسی و تحلیل حسبیه‌های کلاسیک و معاصر (با محوریت شعر مسعودسعد و اخوان‌ثالث)» ضمن بررسی و مقایسهٔ حبسیه‌های معاصر و کلاسیک از لحاظ ساختار زبانی، محتوا، تصویرپردازی و... در شعر دو شاعر و بیان وجوه اشتراک و افتراق، نوعی سبک‌شناسی حبسیه را در شعر نو و کلاسیک نشان می‌دهد. وجود چنین مقالههایی با این رویکرد می‌تواند ابعاد تازه‌ای به بررسی‌های نقد ادبی دهد و گستردگی فکر و اندیشهٔ شاعران را در طی قرن‌ها مورد واکاوی قرار دهد و ضمن بیان ویژگی‌های مشترک صوری و فکری شاعران، وجه تمایز را نیز مشخص کند. تخصصی و جزیی‌شدن موضوعات از وجوه مثبت نقد در این دوره است: «بررسی شعر «فریاد» مهدی اخوان‌ثالث از منظر نقد جامعه‌شناسی»، «بررسی شعر اخوان‌ثالث از دیدگاه پدیدارشناسی» و ... .

تا پایان نیمهٔ اول دههٔ ۹۰ قریب ۳۶ کتاب چاپ شد. برخی از آثار به موضوعات جدید و رویکردهای متفاوت در نقد و شرح شعر اخوان توجه کردند: کتاب جایگاه زن در شعر معاصر فارسی نوشتهٔ رحمت‌الله دادور. تلخند امید: طنز در سروده‌های مهدی اخوان‌ثالث از مجید نگین‌تاجی که در آن به بررسی انواع متفاوت طنز و علت چرایی آن در شعر اخوان پرداخته‌است. حالات و مقامات م.امید کتابی شامل چندین مقاله که برخی از آن‌ها در دهه‌های قبل چاپ شدند. در بخش ارزشمند دوم کتاب با دو گونه چشم‌انداز دربارهٔ اخوان مواجهیم: نقد ساختاری و صوری و مباحث نقد اجتماعی و روانشناسی آثار او. نویسنده در مقالاتی چون «جایگاه اخوان‌ثالث در ادبیات معاصر ما»، «شاعر شعرهای پرشکوه»، «در جستجوی عدالت» و «جامعه‌شناسی مخاطبان دو شاعر (شاملو و اخوان)» نکات ارزشمندی در باب زبان شعر و نثر، نوع و ارزش شعری اخوان و آرای انتقادی و مخاطب‌شناسی شعر وی بیان می‌کند. از مهم‌ترین مباحث کتاب، بحث رتوریک شعر اخوان است که نویسنده اخوان را خداوندگار ابداع رتوریک‌های خیره‌کننده می‌داند.

برخی از کتاب‌ها جنبه‌های صوری شعر اخوان را در مقایسه با شعر دیگر شعرا -اعم از ایرانی و دیگر ملل- تحلیل کردند: نقد تشبیه در آثار اخوان و شاملو از سمیه توحیدلو، بررسی مقایسه‌ای جنبه‌های موسیقی در اشعار سلمان هراتی و مهدی اخوان‌ثالث اثر رقیه یوسفی، روایتی تازه بر لوح کهن: تحلیل روایت در شعر نو ایران نوشتهٔ فرزاد کریمی، رمز و اسطوره در شعر معاصر ایران و عرب: بررسی تطبیقی رمزگرایی در شعر بدرشاکر سیاب و مهدی اخوان‌ثالث از محمد جاسم و یا کتاب مخاطب‌شناسی در اشعار مهدی اخوان‌ثالث و عبدالوهاب البیاتی از ماهرو خوشکام و ... .

توجه منتقدان به نقد محتوایی شعر اخوان در این دوره هم مدنظر بود: گاه منتقدان تنها از یک منظر شعر اخوان را در مقایسه با شعر شعرای معاصر و دیگر ملل نقد و تحلیل کردند: رویکردی جامعه‌شناختی بر اشعار نیما یوشیج و

اخوان‌ثالث اثر انسیه قلیچ‌لی، اخوان و شاملو در تقابل با مسایل اجتماع نوشتهٔ مجید ابتدایی، وطن در شعر اخوان‌ثالث و محمود درویش اثر مژگان رجایی. برخی آثار نیز به بررسی هر دو جنبهٔ فرم و محتوی شعر اخوان توجه داشته‌اند: تحلیل محتوایی و زبانی اشعار اخوان‌ثالث (م. امید) از ندا یانس و شعری که زندگی‌ست: بررسی فرم و محتوا در اشعار نیما یوشیج، احمدشاملو، مهدی اخوان‌ثالث و فروغ فرخزاد از فرامرز شیرین‌بیان. بررسی و نقد شعر اخوان از منظر تأثیرپذیری و وجوه‌شباهت و تفاوت با شعرای کلاسیک از مقولهٔ نقد بینامتیت در آثار تألیفی به‌صورت کتاب نیز در این دهه قابل ذکر است. خوان هشتم با اخوان: (اثرپذیری اخوان ثالث از شاهنامه) از حجت رشیدی و کتاب خوان‌های عبرت «از هفت خوان رستم تا خوان هشتم اخوان بر مرکب نقد زیبایی‌شناسی و فنی» نوشتهٔ نرگس خورسندی. در این دوره کتاب‌هایی با هدف شناساندن و معرفی اخوان‌ثالث به‌عنوان یکی از مشاهیر ایران برای نوجوانان و جوانان نوشته شده‌اند: آشنایی با مهدی اخوان‌ثالث (شناخت چهره‌ها ۴۴)از زهرا میرحسینی‌مطلق و کتاب زمستان است؛ زندگی‌نامه و گزیدهٔ اشعار اخوان‌ثالث» نوشتهٔ نرگس دوست.

در این دهه آثاری به زبان‌های دیگر دربارهٔ شعر اخوان و ترجمهٔ اشعار اخوان نگارش یافت که از جهت معرفی اخوان به دیگر ملل حائز اهمیت هستند. ترجمهٔ چند قطعه از شعر اخوان به زبان اسپانیایی توسط فاطمه شمسی در کتاب باغ بی‌برگی، که می‌گوید که زیبا نیست و اثر پژوهشی ماری هوبر در کتاب *Memories of an Impossible Future (Mehdi Akavān Sāles and the Poeties of Time)* به زبان انگلیسی است که در آن نویسنده با استفاده از رویکرد هرمنوتیک در بررسی زبان مدرن در شعر اخوان به بررسی جنبه‌های ریتم و استعاره، تاریخ‌گرایی و کاربردهای زمان در غزلیات و حماسه‌های اخوان می‌پردازد. از طرفی دیگر نویسنده در پی ردیابی تعامل اخوان با متفکران اروپایی در اشعار شاعر است تا نشان دهد که شعر اخوان به‌عنوان صدایی اصیل در جهان است. این کتاب هم از منظر رویکرد و روش و هم از منظر نتایج پژوهش از آثار برجسته است.

برجسته‌ترین اثر در نقد آرای اخوان کتاب اخوان، صائب و سبک هندی از محمدعلی شیوا است که وی با بررسی دقیق و موشکافه به نقد و تحلیل آرای اخوان در باب سبک هندی و شعر صائب می‌پردازد و علت مخالفت اخوان را با این شیوهٔ شعری بیان و نقد کرده است. توجه منتقدان به آثار منثور وی در این دهه نیز از موارد جالب توجه است. مجاهد غلامی در مقالهٔ «ناپرهیزی‌های اخوان‌ثالث، دربارهٔ اخوان‌ثالث داستان‌نویس و واکاوی داستان‌های وی» شگردهای داستان‌نویسی اخوان و ردیابی مکاتب ادبی در داستان‌ها را شرح و ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی آن‌ها را واکاوی و تحلیل کرد.

مقالات دارای ساختاری علمی مرکب از چکیده، مقدمه (بیان مسأله، فرضیه تحقیق، پیشینه پژوهش، متن اصلی) و نتیجه‌گیری و فهرست منابع است. از دیگر نکات مهم توجه به عناوین مقالات است که دربرگیرنده محتوا و روشنگر موضوع است. اشاره به شیوه و روش پژوهش در این دهه از دیگر وجوه تمایز مقالات در این دوره است. افزایش شمار مجلات و نشریات از عمده موارد رشد مقالات در حوزهٔ اخوان‌پژوهشی است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ۳۶۰ مقاله و ۸۴ کتاب حوزهٔ اخوان‌پژوهی طی شش دهه بررسی و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد جریان‌های نقد حول محور اخوان در چند شاخهٔ اصلی تداوم داشته است. در حوزهٔ نظام صوری مهم‌ترین جریان‌های تداوم‌یافته در باب زبان، روایت‌پردازی و وجوه بلاغی و نظام موسیقیایی شعر اوست. برجسته‌ترین ویژگی صوری شعر اخوان زبان شعری اوست که باعث توجه منتقدان به مباحث ساختاری آن چون صرف و نحو، لغات و واژگان و ترکیبات شعری شد و در دوره‌های متوالی، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی حول آن شکل گرفته است. فرخزاد در اولین نقدها، ترکیب کهنه و نو را در زبانی شعری اخوان ستود و در ادامه کسانی چون شفیعی‌کدکنی یکی از علل موفقیت اسلوب شعری اخوان را زبان وی عنوان کرد. گلشیری، دستغیب و زرین‌کوب و در ادامه حقوقی و میزبان اضلاع زبانی شعر اخوان را به‌طور مفصل و جامع تحلیل کردند. نقد و تحلیل زبان شعری در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ با رویکردهای ساختارگرایانه و فرمالیستی، زبان‌شناختی و شعرشناختی و زیبایی‌شناختی در نقد کسانی چون انوشیروانی، پاینده و عمران‌پور همراه شده است. در کنار این تحسین و تمجیدها در باب زبان شعری اخوان برخی از منتقدان چون رضا براهنی دیدگاه متضادی داشتند و ترکیب زبان کهنه و نو را «پیوند سرطانی» دانست که باعث ایجاد تعقید و ناهنجاری زبانی شده است.

بحث‌های متضاد و متفاوتی حول عینی‌گرایی و روایت‌پردازی در شعر اخوان شده است. براهنی شیوه روایتگری اخوان را ناموفق و باعث جدایی شعرش از عینی‌گرایی و شعر ناب می‌داند در حالی‌که حقوقی معتقد است که فضای شعری اخوان به دلیل شیوهٔ روایتگری غالباً توصیفی و نمایشی است. کریمی‌حکاک روایتگری اخوان را شاعرانه دانست و عدنانی ویژگی اصلی آن را ایجاز ذکرکرده است. در دهه‌های اخیر این ویژگی شعر اخوان با استفاده از نظریه‌های ساختگرا و زبان‌شناختی نقد شد و آملی ضمن بحث از روایت شعری اخوان آن را با منطق مکالمه و ارتباط با آن نقد کرد و رحیمی‌نژاد توجه به عوامل اجتماعی- سیاسی را در بررسی عینی‌گرایی و روایت‌پردازی مورد بحث و تفحص قرار داد.

موسیقی و توجه اخوان به کارکردهای آن در زیبایی شعر از دیگر وجوه مورد توجه منتقدان است. کسانی چون

شفیعی‌کدکنی و دستغیب توانایی اخوان را در به‌کارگیری اوزان متنوع و هماهنگی محتوا و وزن شعری تحسین کردند. بهبهانی با شرح کامل اوزان شعری اخوان، مهارت وی را در کمال بخشیدن به برخی اوزان عروضی نقد و شرح کرد. توجه به انواع قافیه و موسیقی درونی و بیرونی و زیبایی‌شناسی آن در شعر از نظر منتقدانی چون رضا میزبان و ترابی پنهان نماند و عباس ماهیار تحولات سبک‌شناسی اشعار اخوان را در حوزهٔ نظام عروضی شعر بررسی کرد. به‌طور کلی بسیاری از منتقدان صور بلاغی شعر اخوان را ساخته و پرداخته کارگاه خیال و ذهن خلاق اخوان دانسته‌اند و آن را ناشی از تسلط وی بر بلاغت کلاسیک و ذهن و استعداد ذاتی او بیان کردند.

دیگر جریان نقد حول شعر اخوان توجه به وجوه معنایی و محتوایی است. از مهم‌ترین مباحث مقولهٔ تعهد و اجتماعی بودن شعر است که از اولین نقدها تا آخرین آن با رویکردها و شیوه‌های متفاوت و متضاد نقد و تحلیل شده است. شفیعی‌کدکنی شعر اخوان را ماکتی برای نشان دادن فراز و فرود تاریخی عصر خود می‌داند. دستغیب، زرین‌کوب و نوری‌علاء تعهد اجتماعی شعر اخوان را ستودند و حتی براهنی که بسیاری از وجوه صوری شعر اخوان را ناموفق دانسته این مقوله شعرش را تحسین کرده است. برخی از منتقدان چون دریابندری اخوان را شاعری سیاسی دانستند و رویهٔ سیاسی و تحول فکری وی را در دوره‌هایی تقسیم و تحلیل کردند و برخی چون منوچهر آتشی معتقدند اخوان شاعری سیاسی نبود و شعرش اقتضای زمانه است. در دهه‌های اخیر استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناختی و تحلیل گفتمان از عمده رویکردهای نقد محتوای اجتماعی شعر اخوان بوده است.

سیر تحول نظام اندیشگانی و مانیفست فکری-عقیدتی اخوان و توجه به روحیه و اساطیر ایرانی نیز از مضامینی است که با رویه‌های متفاوتی نقد شد. دستغیب استفاده اخوان را از اساطیر ملی با تعبیرات امروزی وجه مثبت شعر اخوان دانست در حالی‌که آشوری از این بازگشت به گذشته تعبیر به «درد بی‌درمان» کرده است. فسایی با مقایسهٔ ایران‌گرایی اخوان با فردوسی، آن را نقطهٔ قوت شعری او دانست و خویی آن را واپس‌گرایی می‌داند که مسیر افراط پیموده است. بررسی و طبقه‌بندی انواع اساطیر شعری در دهه‌های بعد مورد توجه است به‌طوری‌که عالی‌آباد هویت ملی و گزاره و مؤلفه‌های آن را در بستر تاریخی-اجتماعی شعر اخوان تحلیل کرد. در دهه‌های پایانی توجه به مؤلفه‌های وطن‌پرستی و اساطیری در شعر اخوان با شعرای دیگر ملل ازجمله کشورهای عرب‌زبان همسایه که تجربهٔ تاریخی نسبتاً مشابهی داشتند، نقد شده است. بررسی مقولهٔ یأس و ناامیدی در شعر اخوان از مواردی است که در حوزهٔ نظام معنایی شعر اخوان با رویکردهای متفاوتی چون جامعه‌شناختی، روانشناسی و فلسفی نقد و تحلیل شده است. برخی چون احسان طبری یأس موجود در شعر اخوان را منافی رسالت ادبیات دانسته و برخی چون آملی در معرفت‌شناسی

علل شکست و ناامیدی در شعر اخوان، عوامل اجتماعی، تاریخی، شخصی، روحی و فردی شاعر را دخیل دانستند و برخی چون اسماعیل خویی تحلیلی روانشناسی- فلسفی از مقولهٔ یأس در شعر اخوان ارائه کرده‌اند.

توجه به رابطهٔ دیالکتیک بین لفظ و معنا و تحلیل هماهنگی وجوه ساختاری و محتوایی نیز از نگاه منتقدان دور نمانده است. شفیعی شیوهٔ بیان اخوان را متأثر از شرایط روحی و اندیشهٔ شعر وی دانست و هماهنگی ذهنی معانی و مفاهیم واژه‌ها را از برجستگی‌های متمایز شعری وی عنوان کرد. کریمی‌حکاک با اشاره به اینکه صنعتگری در شعر اخوان در حد والاست و کلمات در بهترین هم‌نشینی شعری قرار دارند، استفاده از کلام را در خدمت محتوی شعر ستوده است. فولادوند این تناسب فکر و صورت را تحسین کرد و معتقد است که اخوان برحسب مضمون و محتوا زبانی متفاوت خلق کرد و همواره ظرف و مظروف تناسب داشته‌اند و میزبان معتقد است که اخوان خود به این تناسب توجه داشت و از امکانات بلاغی و بافت زبانی برای زیبایی بیشتر کلام بهره برده است.

رشد گسترده آثار پژوهشی و مجلات و نشریات در طول ۶ دهه چشمگیر بوده است. از وجوه مثبت پژوهشها دقت‌نظر، نکته‌سنجی، جزیی و تخصصی‌تر شدن، توجه به رویکردهای جدید در نقد و مطالعات بینارشته‌ای به‌منظور نگاهی دیگرگونه و آشکارسازی ظرفیت‌های گوناگون متون ادبی و شعر در طی این دوره‌هاست. تکراری و کلیشه‌ای بودن نتایج به دلیل بی‌توجهی به پیشینهٔ پژوهش، مسأله‌محور نبودن برخی پژوهش‌ها، رویکرد توصیفی و سیطرهٔ نظریه بر تحلیل از نقاط ضعف برخی پژوهش‌هاست.

پی‌نوشت

۱. این پژوهش ماحصل سه سال جمع‌آوری و فیش‌برداری از منابع اعم از مقاله و کتاب در حوزهٔ نقد و تحلیل آثار اخوان از پایان‌نامهٔ دکتری نویسنده است: «طبقه‌بندی و تحلیل آرای انتقادی اخوان‌ثالث و منتقدان شعر وی»، (۱۳۹۹)، پایان‌نامهٔ دکتری، کلثوم میری‌اصل، استاد راهنما مریم مشرّف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدبهشتی تهران.

۲. برای ترسیم نمودارها بعد از مطالعه آثار مشخص شد که هر اثر به چه جنبه‌ای از شعر اخوان پرداخته، چه جنبه‌ای از صورت و محتوارا بر اساس چه رویکردی تحلیل کرده است که به‌صورت جدول‌هایی در پایان‌نامه نگارنده در پایان هر دهه مشخص شده است. برای جلوگیری از اطالهٔ کلام در این مقاله به ماحصل جدول‌ها اشاره می‌کنیم و نشان می‌دهیم در هر دوره چه جنبه‌ای از شعر اخوان بیشتر مورد توجه منتقدان بوده است.

۳. برای آشنایی بیشتر با منابع پژوهشی، نویسندگان، تاریخ نشر و ... در حوزهٔ اخوان رجوع شود به پایان‌نامه صص ۲۰۱- ۲۲۸.

۴. برای آشنایی با اسامی نشریات و مجلات دهه هشتاد رجوع شود به پایان‌نامه صص ۱۳۷-۱۳۸.

۵. برای آشنایی با اسامی نشریات و مجلات دهه نود رجوع شود به پایان‌نامه صص ۱۷۵-۱۷۶.

کتابنامه

برای نگارش این مقاله آثار پژوهشی - اعم از مقاله و کتاب- در حوزهٔ اخوان مدنظر بوده است. برای آگاهی بیشتر از منابع رجوع شود به «طبقه‌بندی و تحلیل آرای انتقادی اخوان‌ثالث و منتقدان شعر وی»، (۱۳۹۹)، پایان‌نامهٔ دکتری، کلثوم میری‌اصل، مریم مشرّف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدبهشتی تهران، صص ۲۰۱– ۲۲۸. آنچه در زیر می‌آید آثاری است که به‌صورت مستقیم به آن‌ها ارجاع داده شده است.

آشوری، داریوش. (۱۳۵۰). «سیری در سلوک اخوان‌ثالث». رودکی. شماره ۲: ۲۵-۳۱

اخوان‌ثالث، مهدی. (۱۳۸۲). صدای حیرت بیدار «گفتگوهای مهدی اخوان‌ثالث». به‌کوشش مرتضی کاخی. تهران: زمستان

ــــــــــــ. (۱۳۴۸). بهترین امید. تهران: میهن

براهنی، رضا. (۱۳۴۴). طلا در مس (در شعر و شاعری). تهران: چهر

بهبهانی، سیمین (۱۳۶۹). «اخوان جز از رنج دیگران هرگز نناليد». باغ بی‌برگی (یادنامه مهدی اخوان‌ثالث (م.امید). به‌اهتمام مرتضی کاخی. تهران: زمستان: ۲۰۰-۲۱۵.

دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۷۳). نگاهی به مهدی اخوان‌ثالث. تهران: مروارید

رستگارفسایی، منصور. (۱۳۶۹). «اخوان و فردوسی». باغ بی‌برگی (یادنامه مهدی اخوان‌ثالث (م.امید). به‌اهتمام مرتضی کاخی. تهران. زمستان: ۲۶۰-۲۶۴.

زرین‌کوب، حمید. (۱۳۵۸). چشم‌انداز شعر نو فارسی (مقدمهٔ بر شعر نو، مسائل و چهره‌های آن). تهران: طوس.

طبری، احسان. (۱۳۵۹). مسائلی از فرهنگ و زبان. تهران: مروارید

لنگرودی، شمس. (۱۳۶۹). «اخوان‌ثالث ملک‌الشعرای ملت (اخوان‌ثالث از آغاز تا دیروز)». آدینه. ۵۰ و ۵۱

نوری‌علاء، اسماعیل. (۱۳۴۸). صور و اسباب در شعر امروز ایران. تهران: بامداد